

دکتر فرزانه هراتیان

دیانا کامیابی زاده

فانوسی

به

ارتفاع

آسمان

هفتم

www.ketab.ir



نوشته‌های یک استاد دانشگاه و دخترش

دانش‌یار و عضو هیئت علمی دانشگاه

(انباشته‌دل گویه‌های ایران، مالزی، چین، هند و دیگر سفرها)

سرشناسه: هراتیان، فرزانه، ۱۳۵۶ - Haratyan, Farzaneh
 عنوان و نام پدید آور: فانوسی به ارتفاع آسمان هفتم/ فرزانه هراتیان، دیانا کامیابی زاده.
 مشخصات نشر: تهران: نواندیشان دنیای کتاب، ۱۴۰۳.
 مشخصات ظاهری: ۳۹۴ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۳۵-۵۲-۶ ریال ۲۲۰۰۰۰۰
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 عنوان دیگر: نوشته‌های یک استاد دانشگاه و دخترش
 (انباشته دلگویی‌های ایران، مالزی، چین، هند و دیگر سفرها).
 موضوع: شعر فارسی- قرن ۱۴ ۲۰th century - Persian poetry
 شناسه افزوده: کامیابی زاده، دیانا، ۱۳۸۶-
 رده بندی کنگره: PIR۸۳۱۳
 رده بندی دیوبی: ۸۵۷/۶۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۶۶۳۳۷۰
 اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

فانوسی به ارتفاع آسمان هفتم

صفحه آرا.....
 طراحی جلد.....
 شمارگان.....
 چاپ اول.....
 شابک.....
 قیمت.....

کلیه حقوق برای نویسنده محفوظ می‌باشد و هر گونه تقلید و استفاده از این اثر به هر شکل، بدون اجازه کتبی ممنوع است.



انتشارات نواندیشان دنیای کتاب

پایگاه اینترنتی: www.noandishanpub.ir

رایانامه: noandishanpub@gmail.com

فهرست

- دیاچه ۶
- بخش اول: آرامشی به پهنای اقیانوس ۱۱
- بخش دوم: سرود سبزینه‌ها ۱۱۷
- بخش سوم: بافته‌های اندیشه ۱۵۵
- بخش چهارم: به قلم دیانانترینم (دختری که پری شد) ۲۴۱
- بخش پنجم: دل کوبه‌های دل تنگ ۳۵۷

دیباچه

این کتاب مجموعه‌ی نوشته‌های من در طول سفرهایم است. وقتی از دانشگاه ایران بعد از ۱۵ سال تدریس در مقام استادیاری مرخصی گرفتم و تدریس در دانشگاه‌های چین را آغاز کردم، فرصتی شد که به بیشتر جاهای دیدنی شهرهای بزرگ چین مثل پکن، شانگهای، گوانجو، چونچینگ سفر کنم و سری هم به تبت در هیمالیا بزنم که ورود بسیار دشواری داشت و خوب نهایتاً به لطف خدا انجام شد.

بعد از چهار سال هم مراحل بازخریدی از دانشگاه را انجام دادم و در دانشگاه معروف هند با درجه‌ی دانشیاری که در چین گرفته بودم، دعوت به تدریس شدم که پذیرفتم و هم‌اکنون در دفترم در دانشگاه هند هستم، در حال نوشتن این دیباچه.

در این سفرها دوستان بسیار خوبی در میان همکاران و همسایه‌ها و دانشجویها پیدا کردم. دوستی خالصی از جنس آب و آینه و ابریشم که برایم بسیار ارزشمند است. مرهمی بودیم بر زخم‌ها و دردهای هم‌فراتر از ملیت، جنسیت، نژاد، سن، تحصیلات، مذهب و چارچوب‌های دیگر.

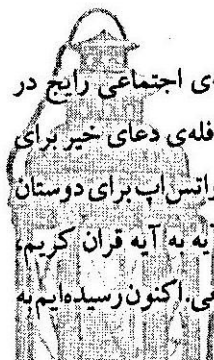
ارشد و دکترای اول من در رشته‌ی ادبیات و آموزش زبان انگلیسی بود با پایان‌نامه‌ای که وارد مباحث روانشناسی شد. بعد از فارغ‌التحصیلی دکتری از دانشگاه یوام در کوالالامپور به ایران برگشتم و خوب با شرایطی مواجه شدم که به‌شدت در خودم نیاز به تسکین و آگاهی بیشتر احساس می‌کردم. باینکه تازه از ۴ سال مطالعه‌ی سخت در غربت برمی‌گشتم ولی دوباره ناگزیر بالا رفتن از نردبان را شروع کردم که به

ادامه تحصیل و ارشد دوم و آغاز دکتری دوم در رشته‌ی روانشناسی انجامید.

شاید باور نکنید! قدرت و توان بالا رفتن از هیچ‌یک از این پله‌ها را نداشتم، آن قدر ضعیف شده بودم که در خودم جانی برای ادامه‌ی مسیر نمی‌دیدم ولی انگار پروردگار عالمیان با دست‌های بزرگ و مهربان خود دست‌هایم را محکم گرفته بود، گویی مرا به دوش می‌کشید.

اراده کرده بودم برخیزم. این شرایط سخت، مرا به پروردگارم بیش از پیش نزدیک کرده آن بیکران رحمن و رحیم، به آن دردانه‌ی سمیع و بصیر. کم‌کم انگار به مسیر اتفاق و مهر هدایت می‌شدم و طلب آدمیت و بینش می‌کردم. همه را بخشیده بودم که هیچ! تازه هر چه بدی را هم در خود می‌کاویدم. آینه پر شده بود از نقص، ناتوانی و غلط، سیلابی از اشکالات. گفتم خدایا فانوس بفرستید راه سنگلاخ روشن شود، پندار و گفتار و کردار این حقیر نیک شود تا آینه تصویر زیبایی به من نشان دهد نه زشت و بدترکیب. من لیک گفته‌ام! شما چطور خالق این مخلوق کوچک؟ امضا بفرمایید تا حرکت کنم در مسیر عبادت و سبحان بی‌نهایت شما.

از دوران کرونا گروهی در ویجت (تنها رسانه‌ی اجتماعی رایج در داخل چین) درست کردم به نام قافله‌ی نور و قافله‌ی دعای خیر برای دوستان ایرانی در چین و یکی هم به همین نام در واتس‌آپ برای دوستان و دانشجویان ایرانی. شروع کردیم به خواندن آیه به آیه قرآن کریم. نامه‌های خالق هنرمند و هوشمند در ختم‌های جمعی اکنون رسیده‌ایم به



ختم ۵۲ در قافله‌ی نور خارج از ایران و به ختم ۴۵ در قافله‌ی نور داخل ایران چون برای مدت طولانی واتس‌آپ در ایران فعال نبود. چقدر پند و اندرز و توصیه مبادله شد بین اعضا، بین روح‌های شیشه‌ای در تمنای نور.

من هم تقریباً هر روز سهمی شعر و ادبیات و دل نوشته اول صبحگاهان بعد از نیاش در قافله‌ها می‌گذاشتم شاید در دل دردمندی امید بیاید و قرار. متن‌های این کتاب همان نوشته‌هاست که در این چند گروه و در کانال تلگرامی قافله‌ی مهر می‌گذاشتم که ۸ سال پیش در اولین بازدید دانشجویهای روانشناسی از سرای احسان ساختیم. کانالی که باعث شد مهم اتفاق و مهربانی با مددجویان را بیاموزیم. دل نوشته‌ها در مورد اتفاقات روزانه، اجتماعی، فرهنگی، عرفانی و مذهبی بود. کم‌کم جذب مطالعات و تحقیقات جدید روزمینه «شعر درمانی» شدم. ترکیبی از هر دو رشته‌ای که خوانده بودم روانشناسی و ادبیات.

در بیشتر سخنرانی‌هایی در دانشگاه‌ها و کنفرانس‌های چین و هند در مورد اهمیت خواندن و نوشتن شعر و متن‌های ادبی بر بهبود احوالات فرد صحبت می‌کردم با این امید که علاقه‌ی مطالعه در این زمینه‌ی خاص برای دانشجویان ارشد و دکتری ایجاد شود.

نوشتن مرا بسیار آرام کرده بود و در بازخوردها، متوجه شدم که نوشته‌ها تأثیر مثبتی روی دوستانم و اعضای گروه هم داشته است که این مرا مصمم به ادامه‌ی مسیر کرد. آرامشی به پهنای اقیانوس جاری شده بود. مشکلات و موانع و دردها را دیگر تمرینی برای آموختن تسلیم اراده‌ی خدا بودن، بردباری، ارزیابی مجدد رفتار و گفتار و شکرگزاری

مضاعف می دانستیم. دیگر گویی دردی وجود نداشت و چیزی تلخ نبود. بعد از ۴ سال برخی از دوستان پیشنهاد دادند نوشته‌ها و شعرها را چاپ کنم و من استقبال کردم.

تمام دل‌گویه‌های این چهار سال در پنج فصل تقسیم‌بندی شد:

بخش اول با عنوان آرامشی به پهنای اقیانوس: مجموعه‌ی نوشته‌های عاشقانه و عرفانی است.

بخش دوم با عنوان سرود سبزینه‌ها: مجموعه‌ی نوشته‌هایی است که موضوع مذهبی دارند.

بخش سوم با عنوان یافته‌های اندیشه: بیشتر به موضوعات اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد.

بخش چهارم نوشته‌های دخترم دیانا است؛ دختری که پری شد. نوشته‌های پر مفهوم دیانا دخترم بسیار تأثیرگذار بود. از او یاد می‌گرفتم احساس پاک و خالص را. برای همین بخشی از کتاب را برای شعرهای نجیب دیانا در نظر گرفتم که تاروح آدمی نفوذ می‌کرد و تسلی می‌داد و مرهم می‌گذاشت.

بخش پنجم نوشته‌های شخصی من است. امیدوارم این نوشته‌ها، دل‌گویه‌های مادر و دختری کوچک در رؤیای بزرگ پرواز ناخانه‌ی خالق خود تا آسمان هفتم، برای خوانندگان ایران زمین و فارسی‌زبانان مفید باشد و هدیه‌ی مناسبی از طرف من و دیانا باشد.

کتاب انگلیسی شعرها با عنوان SOULS SEEKING TRANSCENDENCE در انتشارات آکادمیک هند و بعضی مجلات انگلیسی در ژانویه ۲۰۲۴

به چاپ رسید.

ممنونم از دخترم، پدر و مادر و برادر و خواهرانم، دوستان، همسایه‌ها، استادان، همکاران و دانشجویانم که به مهربدی‌های مرا پوشاندند و عشق فرستادند حتی زمانی که در سرزمین‌های دوردست آن‌سوی اقیانوس‌ها بودم و دوستانی که در قافله‌های مجازی هرگز یکدیگر را ندیدیم ولی خواهران و برادران خوبی شدیم به مهربانی و ادب و سپاسگزاری.

هر روز پیام پرمهری از شما تنور اندیشه‌های مرا به عشق گرم می‌کرد. کاش بدانید چه بی‌اندازه سپاسگزارم هم از بودن شما، هم از بودن پروردگار در قافله که همه را می‌خواند هم تمام نوشته‌ها، هم تمام ناتوشته‌ها.

فرزانه‌ها و تیان

دانشگاه VIT هندوستان

۲۰۲۴/۵/۱۲